



## وحید بهبهانی

**محمدباقر بن محمداکمل بهبهانی** (۱۱۱۷-۱۲۰۵ ه.ق)، معروف به وحید بهبهانی، **فقیه**، اصولی و از علمای بزرگ **شیعه** در **قرن** دوازدهم و سیزدهم هجری قمری که احیاگر **علم اصول** بود.  
بهبهانی به القابی مثل استاد اکبر، استاد کل، مروج شریعت سید البشر، علامه ثانی و محقق ثالث، مشهور است. نسب ایشان با چهارده واسطه به **شیخ مفید** می‌رسد و از طریق مادر هم از نواده‌های **مجلسی اول** می‌باشد.  
وی از علمای دوره **صفویه** می‌باشد، که بعد از انقراض دولت صفویه، حوزه اصفهان از مرکزیت افتاد و ایشان به **عتبت عالی** مهاجرت کرد. وحید بهبهانی **کربلا** را مرکز فعالیت‌های علمی قرار داد و شاگردان بسیار مبرز تربیت کرد و در راه دفاع از **اجتهاد** و مبارزه با **اخباری‌گری** که در آن وقت سخت رواج یافته بود مبارزه پیگیری کرد و با پیگیری ایشان اخباری‌گری به حاشیه رفت.

### فهرست مندرجات

- ۱- معرفی اجمالی
- ۲- ولادت
- ۳- نسب
- ۴- مهاجرت به بهبهان
- ۵- سفر به کربلا
- ۶- مبارزه با اخباری‌گری
- ۷- جایگاه علمی و اجتماعی
- ۸- تالیفات
- ۹- اساتید
- ۱۰- شاگردان
- ۱۱- وفات
- ۱۲- پانویس
- ۱۳- منبع

### معرفی اجمالی

وحید بهبهانی، یکی از بزرگترین و نامورترین فقیهان نامدار می‌باشد که از دویست سال پیش تا عصر ما، خود و شاگردانش از استوانه‌های بزرگ فقهی به شمار آمده و سرمنشا تحولات عظیم در فقه و دفاع از آئین تشیع بوده‌اند.  
او یکی از نام آورترین مشعلداران علم اصول فقه است که به حمایت و دفاع از آن برخاست و علم اصول را از نو پایه‌گذاری و احیا نمود. او **تقوا** را در حد کمال داشت و شاگردانش برای او احترام بسیاری قائل بودند.  
آقا وحید بهبهانی، یکی از اکابر فقه‌های اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری قمری می‌باشد.  
او از شاگردان **سید صدرالدین رضوی قمی**، شارح وافیه، و او شاگرد **آقا جمال خوانساری** بوده است، و پدرش **محمداکمل شیرازی** فاضل عصر خویش، از شاگردان مبرز شیخ جعفر قاضی و ملا **میرزا محمد شیروانی** و **علامه مجلسی** بود و مادرش دختر **نورالدین بن ملا محصل صالح مازندرانی** و جد پدری مدرش، عالمه فاضله، **آمنه بیگم** دختر مجلسی اول و خواهر مجلسی دوم بوده است، از این‌رو از اول به جد و از دومی به خال تعبیر آورده می‌شود.

### ولادت

ولادت بهبهانی در سال **۱۱۱۷ ه.ق** در **اصفهان**، به فاصله چند سال پس از درگذشت مجلسی بوده است. او در دامن مادر و پدرش رشد کرد و پس از رشد و نما، در آغاز امر در بهبهان سکونت گزید و در اواخر به کربلا انتقال یافت.

### نسب

وحید بهبهانی نسب به مجلسی اول می‌برد، یعنی از نواده‌های دختری مجلسی اول (البته به چند واسطه) است، و او آمنه بیگم همسر **ملا صالح مازندرانی** بوده که زنی فاضله و فقیهه

بوده است، گاهی آمنه بیگم مشکلات علمی شوهر فاضل خود را حل می‌کرد.

[لله مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۹۸.](#)

طبق سلسله نسبی که در دست فرزندان و رجال فامیل ایشان است، نسب او با چهارده واسطه به شیخ مفید می‌رسد و از طرف مادر نیز نسبی بس بزرگ و شریف دارد، چه مادر وی نوه فقیه عالیقدر، مرحوم ملا صالح مازندرانی و داماد مجلسی اول است، و پدرش، ملا محمداکمل، در اجازات و کتب خود از مجلسی اول و ملا صالح، به عنوان جد، و از مجلسی دوم به دایی تعبیر می‌کند، پس از بررسی شرح حال هر یک از این مردان بزرگ، پی می‌بریم که خاندان ایشان از نظر نسب بسیار بلندمرتبت بوده‌اند.

## مهاجرت به بهبهان

وحید بهبهانی که در اصفهان به دنیا آمده بود، پس از طی مراحل آغازین زندگی، در این شهر، همراه پدرش به بهبهان آمد و به تحصیل اشتغال ورزید و شاید عامل مهاجرت پدر ایشان به بهبهان، بر اسس تصریح جمعی، برای مبارزه با مسلک اخباری‌گری باشد که توسعه چشمگیری در این شهر یافته بود در این شهر مردم را که اختلافی با هم داشتند، دعوت به برادری نمود و بیش از سی سال در این شهر به تدریس اشتغال ورزید و گروه زیادی از مردم را از اخباری‌گری روی‌گردان نمود.

## سفر به کربلا

علامه بهبهانی، پس از طی این مدت به کربلا عزیمت فرمود و علت آن را برخی این‌گونه نوشته‌اند: روزی ایشان در بهبهان مشغول برگزاری نماز بودند و در بین دو نماز، خواجه عزیز کلانتر (حاکم وقت شهر) به ایشان گفت: ببینید بر اثر دستوری که داده‌ام چه قدر مردم در نماز جماعت شما شرکت کرده‌اند و جمعیت چقدر زیاد شده است این سخن وحید را منقلب نمود و از بیم آنکه مبادا یک نفر نادان زنگ ریا را در دلش بنشانند، قصد عزیمت به کربلا را نمود و در سال **۱۱۵۹ هـ ق** به اتفاق تمام فامیل و بستگانشان بهبهان را به قصد عتبات عالیات ترک گفت.

## مبارزه با اخباری‌گری

عده‌ای دیگر علت عزیمت او را این موضوع می‌دانند که نفوذ **اخباریین** در این منطقه زیاد شده بود و آقا می‌خواستند آن را ریشه کن سازند و در آن شرایط میسر نبود، بعد از ورود وحید بهبهانی به **عراق** او ابتدا به **نجف اشرف** رفت و در مجلس درس مدرسین آنجا شرکت کرد و پس از مدتی به کربلا مهاجرت نمود. آن وقت متوجه شد که استاد کاملی که بتواند از او استفاده کند، وجود ندارد از این‌رو خود به کربلا انتقال یافت در کربلا نفوذ اخباری‌ها بسیار زیاد بود، به طوریکه وقتی برخی از آنها می‌خواستند کتابی را که قبلاً در دست مجتهدین بوده است، به دست گیرند، دستمال بر دور کتلب پیچیده و آن را برمی‌داشتند، چون آن را نجس می‌دانستند و این وضع مجتهدین در کربلا بود، وحید بهبهانی پس از ورود به کربلا و شرکت در مجلس درس آنان، روزی در صحن شریف ایستاد و با صدای بلند فریاد زد: «مردم! من حجت خدا بر شما هستم» علما و فضلا از هر طرف متوجه او شدند و دور او اجتماع نمودند و گفتند چه می‌خواهی؟

وحید گفت: می‌خواهم شیخ **یوسف بحرانی** صاحب حدائق منبرش را در اختیار من بگذارد و دستور دهد تا شاگردانش پای منبر من حاضر شوند.

چون این خبر به شیخ یوسف بحرانی رسید، تقاضای وحید را پذیرفت.

وحید بهبهانی سه روز به درس و بحث پرداخت و در نتیجه دو سوم شاگردان شیخ یوسف به روش اصولی روی آوردند.

نفوذ اخباری‌ها در کربلا روز به روز کمتر شد و حتی شیخ یوسف بحرانی هم نماز خواندن پشت سر وحید را صحیح دانسته و گفته بود که بعد از مرگش وحید بر جنازه‌اش نماز بخواند. این قضیه مقام و منزلت والا و عظمت تفکر و اطلاعات عمیق و وسیع علامه وحید بهبهانی را می‌رساند.

به همین جهت هم وحید را «مجدد مذهب» می‌نامیدند و شاگردانش همه‌جا او را مروج دین حنیف و مجدد طریق اجتهاد و **تقلید** و احیاکننده اسس تشیع می‌دانستند.

## جایگاه علمی و اجتماعی

در باره مقام علمی ایشان، همین بس که شاگردانی چون **علامه بحر العلوم** و **صاحب ریاض** او را علامه بهبهانی و **صاحب جواهر** و **شیخ انصاری** و دیگران، همه‌جا او را «استاد اکبر» و «استاد کل» خوانده‌اند.

و دیگر اینکه ایشان در دیباجه حاشیه کتلب مدارک نوشته است که صاحب مدارک را در خواب دید که اعتراف به غفلت‌های خود و یادآوری‌های او نمود و از وی در این خصوص اظهار خوشنودی کرد. در مورد خصوصیت و فضایل اخلاقی ایشان تعریف زیادی شده است. وی بسیار خوش‌رو و خوش‌صحبت و لطیف‌گو بوده و در عین حال بسیار زاهد بوده است، بطوری که لباس‌هایش کربس بوده و به ظواهر دنیا هیچ نظری نداشته است.

## تالیفات

وحید بهبهانی، قریب شصت کتاب تصنیف فرمود و تعدادی از تالیفاتش به فارسی، و بسیار متین و پرفایده می‌باشد، که از آن میان کتب زیر را می‌توان به اختصار برشمرد:

- ۱- **ابطال القیاس**؛
- ۲- **اثبات التحسین و التقیح العقلیین**؛
- ۳- **الاجتهاد و الاخبار**؛
- ۴- **اصاله البرائة**؛
- ۵- **اصاله الصحه فی المعاملات و عمنها**؛
- ۶- **الاستصحاب**؛
- ۷- **اصول الاسلام و الایمان**؛
- ۸- **التحفة الحسینیة**؛
- ۹- **التعلیفة النهجانیة**؛
- ۱۰- **التقیة**؛
- ۱۱- **حاشیه ارشاد علامه**؛
- ۱۲- **حاشیه تهذیب علامه**؛

- ۱۳ - حاشیه ارشاد اردبیلی؛  
 ۱۴ - حاشیه مسالک الافهام؛  
 ۱۵ - حاشیه معالم؛  
 ۱۶ - شرح مفاتیح الکلام.

#### اساتید

۱. سید صدرالدین رضوی قمی، شارح وافیه، و او شاگرد آقا جمال خوانساری بود؛  
 ۲. آقا سید محمد طباطبایی بروجردی؛  
 ۳. آقا صدرالدین همدانی؛  
 ۴. پدرش ملا محمداکمل.

#### شاگردان

- وحید بهبهانی کر بلا را مرکز قرار داد و شاگردان بسیار مبرز تربیت کرد از آن جمله است:  
 ۱. سید مهدی بحر العلوم؛  
 ۲. آقا سید علی طباطبایی (صاحب ریاض)؛  
 ۳. میرزا محمد مهدی شهرستانی؛  
 ۴. سید محمدباقر اصفهانی شفتی معروف به حجت الاسلام؛  
 ۵. میرزا مهدی شهید مشهدی؛  
 ۶. سید جواد صاحب مفتاح الکرامه؛  
 ۷. سید محسن اعرجی؛  
 ۸. شیخ جعفر کاشف الغطا.  
 و بسیاری از فضلاء دیگر را دانست که هریک از آنان از مفاخر و مشاهیر زمان می‌باشند.

#### وفات

عمر وحید بهبهانی در حدود نود سال بود و در اواخر عمر، ضعف بر وی مستولی شد و درس و بحث را ترک نمود و تنها به تدریس شرح لمعه اکتفا ورزید و دستور داد که سرآمد شاگردانش، علامه بحر العلوم به نجف اشراف بازگردند و مستقلاً به تشکیل حوزه درس و بحث و رسیدگی به امور شیعیان همت گمارد به گفته نوه‌اش، آقا احمد، ایشان در ۲۹ شوال ۱۲۰۵ هـ ق وفات یافتند او در کربلای معلی، به جوار رحمت حق پیوست و در حرم امام حسین (علیه‌السلام)، پایین پای شهدا مدفون گردید.

- [۱] مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة الادب، ج ۱، ص ۵۱.  
 [۲] الگار، حامد، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ص ۵۱.  
 [۳] عنایت، حمید، تفکر نوین سیاسی در اسلام، ص ۲۳۰.  
 [۴] هدایت، رضا قلی‌خان، روضه الصفا، ج ۹، ص ۲۰۴-۲۰۵.

این عالم بزرگ، تمام عمر خود را صرف نگاهداری علوم و اخبار و آثار اهل بیت (علیهم‌السلام) و تعلیم و تربیت نوابغ و برجستگان نمود و خدمت فراوانی به مذهب شیعه کرد. از ایشان فرزندان عالم و بزرگوار بر جای مانده که راه پدر را ادامه داده و در تبلیغ دین اسلام کوشیده‌اند.

#### پانویس

۱. ↑ مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۹۸.  
 ۲. ↑ مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة الادب، ج ۱، ص ۵۱.  
 ۳. ↑ الگار، حامد، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ص ۵۱.  
 ۴. ↑ عنایت، حمید، تفکر نوین سیاسی در اسلام، ص ۲۳۰.  
 ۵. ↑ هدایت، رضا قلی‌خان، روضه الصفا، ج ۹، ص ۲۰۴-۲۰۵.

#### منبع

- سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «وحید بهبهانی»، تاریخ باز یابی ۱۴۰۰/۰۳/۱۱.

رده‌های این صفحه: [اصولیان شیعه قرن 12 \(قمری\)](#) | [اصولیان شیعه قرن 13 \(قمری\)](#) | [درگذشتگان سال 1205 \(قمری\)](#) | [زادگان سال 1117 \(قمری\)](#) | [عالمان اصفهان عصر صفویه](#) | [عالمان شیعه سده دوازدهم \(قمری\)](#) | [عالمان شیعه قرن 13 \(قمری\)](#) | [فقیهان شیعه سده دوازدهم \(قمری\)](#) | [فقیهان شیعه قرن 13 \(قمری\)](#) | [مدفونان در حرم امام حسین](#)

